

پرداخت. زمان کوتاه و کلاسیک همینگوی
« مرد پیر و دریا » جایزه پولیتزر را در سال
۱۹۵۳ برایش به ارمغان آورد. همینگوی در
سال ۱۹۶۱ درگذشت.

آنچه در این جا می خوانید، ترجمه
پاره ای از اندیشه های این نویسنده بزرگ
است درباره هنر والای نویسندگی، که دریچه
تازه ای به روی خوانندگان آثارش می گشاید
و برای نویسندگان جوان و تازه کار نیز، حاوی

کرد. همینگوی، به عنوان جزئی از « نسل
گمشده » هنرمندان مقیم پاریس در دهه
۱۹۲۰، خبرنگار پیشین، و راننده آمبولانس
در زمان جنگ جهانی اول، حرفه ای را آغاز
نهاد که بر اثر آن شهرتی جهانی یافت. او
جنگ داخلی اسپانیا را پوشش داد و وقایع
تلخ و دردناک آن را در زمان درخشان خود
« زنگ ها برای که به صدا در می آید » ترسیم
کرد و در پی آن، به پوشش جنگ جهانی دوم

ارنست همینگوی بیش از هر نویسنده
دیگر قرن بیستم سبک نثر انگلیسی را
دگرگون کرد. او جایزه نوبل ادبیات در
سال ۱۹۵۴ را برای این کوشش ارزنده
اش، دریافت کرد. انتشار زمان های
« خورشید همچنان می درخشد » و « وداع
با اسلحه » بی درنگ موضع همینگوی را
به عنوان یکی از نویسندگان بزرگ قرن
بیستم در صحنه ادبیات جهان استوار

ارنست همینگوی:

اندیشه های درباره نویسندگی

حسن فیاد

اندرزها، اظهار نظرها و پیشنهادهایی عملی
و ارزنده ای است.

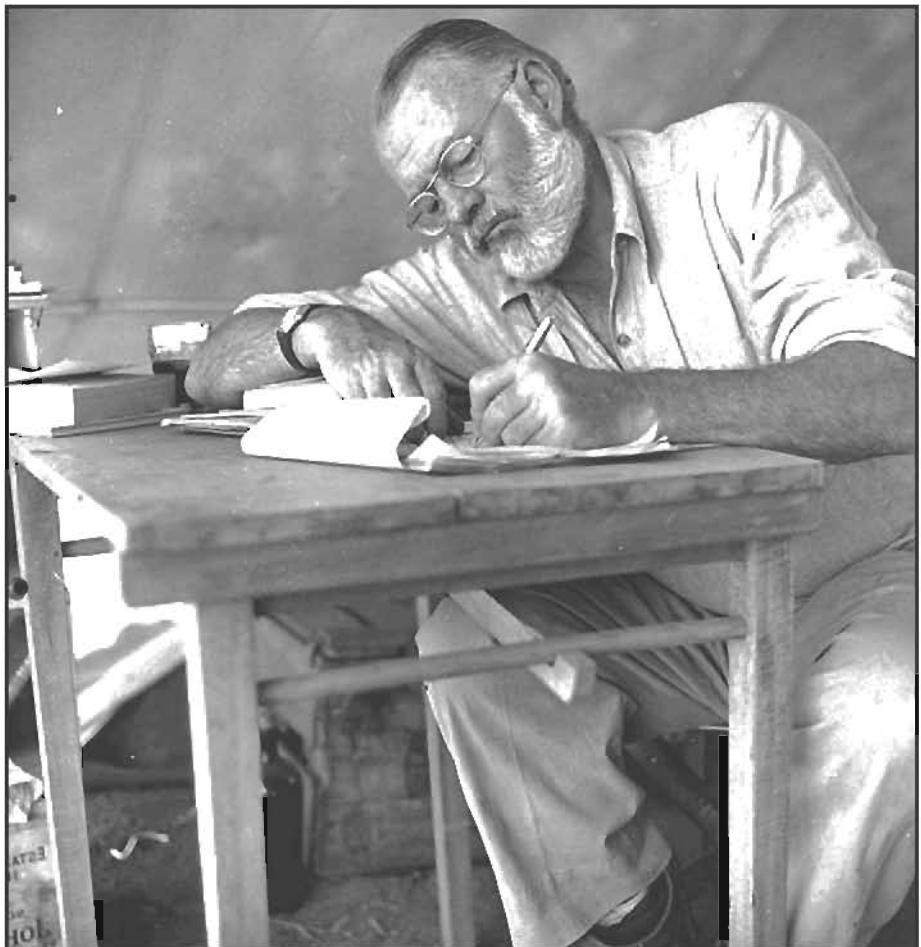
نویسندگی چیست و چه کار می کند

می گویم، پیش از اتمام، تصویری از
همه دنیا - یا تا آنجا که دنیا را دیده ام -
ارائه دهم. همیشه به صورت ایجاز، و نه
به تفصیل و اطناب.

به خانم پل بنیفر، ۱۹۳۳، صفحه ۳۹۵.

نامه های برگزیده

همه کتاب های خوب از این نظر به
هم شبیه اند که واقعی ترند از آنچه
که در واقع روی داده است؛ و پس
از خواندن یکی از آنها حس می کنید
این وقایع برای شما نیز روی داده
است و همه آنها به شما تعلق دارد؛
خوبی ها و بدی ها، سرمستی ها،
ندامت ها، غم ها، مردم و مکان ها و



اینکه هوا چگونه بود.

ارنست همینگوی، صفحه ۱۸۴، مجموعه مقالات

هیچ کس واقعاً نه می‌داند و نه می‌فهمد، و نه تاکنون گفته است که این راز چیست. راز این است که شعر را به صورت نثر درآوریم و این یکی از دشوارترین کارهایی است که می‌توان کرد....»

مری همینگوی، صفحه ۳۵۲، کتاب «چگونه بود»

آن وقت راز دیگری هم هست. سمبولیسمی در کار نیست. دریا دریاست. مرد پیر، مردی پیر است. پسرک، پسرکی بیش نیست و ماهی، ماهی است. کوسه‌ها همه کوسه‌اند، نه چیزی بهتر یا چیزی بدتر. همه سمبولیسمی که {دریای مرد پیر و دریا} می‌گویند، مزخرف است. آنچه فراسوی چیزی می‌رود، چیزی است که شما آن را می‌شناسید. پس فراتر از چیزی می‌رود که می‌بینید.

به برنارد برنسون، ۱۹۵۲، صفحه ۷۸۰، نامه‌های برگزیده

در یک نوشته واقعاً خوب، صرفنظر از اینکه چند بار آن را می‌خوانید، هرگز سر در نمی‌آورید که چگونه نوشته شده است. به همین جهت است که در همه نوشته‌های برجسته راز و رمزی هست؛ راز و رمزی که تجزیه و تحلیل شدنی نیست. به حیات خود ادامه می‌دهد و هرگز از ارزش و اهمیت آن کاسته نمی‌شود. هر زمان که دوباره آن را می‌خوانید، چیز تازه‌ای در آن می‌بینید یا از آن فرا می‌گیرید.

به هاروی پریت، ۱۹۵۲، صفحه ۷۷۰، نامه‌های برگزیده

وقتی به صورت اول شخص، داستان نویسی را آغاز می‌کنید، اگر این داستان‌ها آنقدر واقعی باشند که مردم آنها را باور کنند، آنوقت

خوب نوشتن، به منزله واقعی نوشتن است. اگر کسی داستانی از خود می‌سازد، متناسب با چیزی که از زندگی آموخته و اینکه تا چه حد از آن آگاه است، واقعی به نظر می‌آید؛ آنچنان که انگار آنچه خلق کرده برآستی از زندگی مایه گرفته است.

نوشته شما به صورت کتاب باشد، می‌تواند آن را بخوانند. و اگر به اندازه کافی خوب باشد، تا زمانی که انسان وجود دارد، نام شما پایدار خواهد ماند.

از مقاله ملکوم کولی: «چهره آقای بابا همینگوی»، مجله لایف، ژانویه ۱۰، ۱۹۴۹

ویژگی‌های نویسنده

همیشه در طول زندگی به واژه‌ها طوری نگاه کرده‌ام که انگار برای اولین بار آنها را می‌بینم....

به مری ولش، ۱۹۴۵، صفحه ۵۸۳، نامه‌های برگزیده

ابتدا، باید استعدادی وجود داشته باشد، استعدادی زیاد. استعدادی نظیر کپلینگ. آنوقت باید انضباط داشت. انضباط فلوربر. سپس باید دانست نویسنده‌گی چیست و وجدانی تمام عیار داشت که مثل متر استاندارد در پاریس، غیر قابل تغییر باشد تا به وسیله آن از دروغ‌پردازی جلوگیری کنیم. آنگاه، نویسنده باید هوشمند و صادق باشد. و مهمتر از همه، بتواند به زندگی خود ادامه دهد. حالا سعی کنید همه این ویژگی‌ها را در یک نویسنده گرد آورید و برخلاف همه شرایط ناگوار و دشواری که نویسنده را تحت فشار و تأثیر قرار می‌دهد، از او انتظار داشته باشید که همه این خصوصیات را رعایت کند. چون زمان بسیار کوتاه است، دشوارترین کار نویسنده جان سالم بدر بردن است و تأمین زندگی. زیرا باید فرصت این را داشته باشد

کسانی که این داستان‌ها را می‌خوانند، تقریباً همیشه فکر می‌کنند که آنها واقعاً برای شما اتفاق افتاده است. این قضیه طبیعی است چون وقتی آنها را می‌ساختید، ناچاراً این داستان‌ها را طوری نوشته‌اید که انگار برای شخصی که آنها را بازگو می‌کنید، روی داده است. اگر این کار را به اندازه کافی با موفقیت انجام دهید، خواننده را و می‌دارید باور کند این حوادث برای خودش نیز اتفاق افتاده است.

اگر بتوانید چنین کاری بکنید، کم‌کم به چیزی که می‌کوشید به دست آورید، دست خواهید یافت. یعنی داستان را آنقدر واقعی جلوه دهید که از هر واقعیت دیگری فراتر رود. این کار باعث می‌شود داستان به صورت جزئی از تجربه و حافظه خواننده درآید. چیزهایی باید در داستان باشد که وقتی خواننده داستان یا زمان را می‌خواند، متوجه نشود و ناآگاهانه وارد تجربه و حافظه اش بشود به طوری که انگار این وقایع جزئی از زندگی اش بوده است. و این، کار آسانی نیست.

مجموعه چاپ نشده نوشته‌های همینگوی کتابخانه کندی

کافی است یک بار داستانی برای چند نفر بنویسید تا شما از یادشان نروید. ولی اگر این کار را هر سال انجام دهید، آنوقت مردم بسیاری شما را به یاد خواهند داشت و به بچه‌هاشان خواهند گفت و بچه‌ها و نوه‌هاشان شما را به یاد خواهند آورد و اگر

که نوشته خود را تمام کند.

تپه های سرسبز آفریقا، صفحه ۲۷

..... جدی بودن واقعی در رابطه با کار نویسندگی یکی از ضرورت های مطلق است. ضرورت دیگر، متاسفانه، داشتن استعداد است.

ارنست همینگوی، صفحه ۲۱۴، مجموعه مقالات

اساسی ترین قریحه برای نویسنده خوب، این است که در درون خود مزخرف سنجی ضد ضربه ساخته باشد. این مزخرف سنج، به منزله راداری است برای نویسنده و همه نویسندگان بزرگ، صاحب چنین راداری بوده اند.

از جورج پلیچتون، مصاحبه ای با ارنست

همینگوی، پاریس ری ویو، شماره ۱۸، بهار ۱۹۵۸

نویسنده ای که احساسی از عدالت و بی عدالتی ندارد، وضع بهتری خواهد داشت اگر برود دنبال ویراستاری یک سالنامه مدرسه برای کودکان استثنائی تا نوشتن زمان.

از جورج پلیچتون، مصاحبه ای با ارنست همینگوی،

پاریس ری ویو، شماره ۱۸، بهار ۱۹۵۸

یک نویسنده خوب باید تقریباً تا آنجا

که ممکن است همه چیز بداند. طبیعتاً هر نویسنده ای قادر به چنین کاری نیست. به نظر می رسد هر نویسنده نسبتاً بزرگ با چنین دانشی به دنیا می آید. اما او واقعاً نه با چنین دانشی، که با توانائی آموختن سریعتری از دیگران، نسبت به گذر زمان، به دنیا آمده است؛ بی آنکه از چنین توانائی آگاه باشد. همچنین از هوشمندی برخوردار است که می تواند، آنچه به عنوان دانش پیش از این ارائه شده است، بپذیرد یا رد کند. با این حال، چیزهایی را نمی توان به سرعت آموخت. و زمان، که تنها دارائی ماست، باید به شدت صرف آموختن آنها شود. آنها ساده ترین چیزها هستند چون انسان این چیز ها را در طول زندگی خود می آموزد و هر چیز تازه ای که انسان از زندگی فرا می گیرد، باید برای آن بهای هنگفتی بپردازد. و این تنها میراثی است که نویسنده باید از خود بر جا گذارد. هر زمان واقعی که نوشته می شود به این دانش می افزاید و در اختیار نویسنده آینده قرار می گیرد. با این حال، نویسنده بعدی باید، پیوسته، درصد کم و خاصی هنگام تجربه بپردازد تا بتواند آنچه به عنوان حق مسلم در دسترس اوست، درک و جذب کند و آنچه باید، به نوبه، از آن در آغاز کار خود استفاده کند.

مرگ در بعد از ظهر، صفحات ۱۹۱-۱۹۲

خوب نوشتن، به منزله واقعی نوشتن است. اگر کسی داستانی از خود می سازد، متناسب با چیزی که از زندگی آموخته و اینکه تا چه حد از آن آگاه است، واقعی به نظر می آید؛ آنچنان که انگار آنچه خلق کرده برآستی از زندگی مایه گرفته است.

ارنست همینگوی، صفحه ۲۱۵، مجموعه مقالات

پس تخیل چه نقشی دارد؟

چیزی است که نویسنده، علاوه بر صداقت، باید از آن برخوردار باشد. هرچه بیشتر از تجربه می آموزد، برآستی بیشتر می تواند تخیل خود را بکار اندازد. از این نظر، چنانچه بتواند بر مبنای واقعیت ها دامنه تخیل خود را به اندازه کافی بگستراند، انوقت مردم فکر خواهند کرد آنچه او می گوید واقعاً روی داده است و نویسنده فقط دارد آن را گزارش می دهد.

ارنست همینگوی، صفحه ۲۱۵، مجموعه مقالات

بهترین دوره اولیه کارآموزی برای یک نویسنده چیست؟
دوران غم انگیز کودکی.

ارنست همینگوی، صفحه ۲۱۹، مجموعه مقالات



IRAN SATELLITE
۳۳ کانال تلویزیون ایرانی
۵ رادیوی فارسی زبان
با نصب حرفه ای و بیش از ۱۰ سال سابقه
جهت خرید و نصب با بهمن تماس بگیرید
(281) 879-7979

DJ YAR دی جی یار
Birthday Party
Special \$100 فقط \$250
با بهترین آهنگهای روز، هیجان جشنها
و مهمانی های شما را چندین برابر می کنیم
713-367-0787
E-mail: Dj-Yar@hotmail.com

